



دکتر سیاوش شمس :

🏛️ مقایسه تطبیقی: ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)

و تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)

۱. مبنای تقنینی و هدف گذاری 📌

- ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی:

با هدف جبران کامل خسارات ناشی از صدمات بدنی، از جمله کاهش قدرت کار، نقص عضو، یا افزایش هزینه‌های زندگی زیان‌دیده، تدوین شده است.

- تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری:

با هدف تحدید صلاحیت دادگاه در جرایم مستوجب دیه و تعزیرات منصوص شرعی، صرفاً به دیه و مجازات شرعی اکتفا کرده و مطالبه سایر خسارات را منوط به وجود نص قانونی می‌داند.

۲. دامنه شمول و قلمرو اجرایی 📌

- ماده ۵:

ناظر به کلیه اعمال زیان‌بار اعم از مدنی و کیفری است و به‌صورت عام، مسئولیت جبران خسارت را بر عهده واردکننده زیان قرار می‌دهد.

- تبصره ۲ ماده ۱۴:

صرفاً ناظر به جرایم مستوجب دیه و تعزیرات منصوص شرعی است و در این حوزه، دایره جبران خسارت را صرفاً به پرداخت دیه محدود می‌سازد.

۳. جایگاه نفع احتمالی (منافع ممکن‌الحصول بزه‌دیده)

- ماده ۵:

با تفسیر موسع، امکان مطالبه نفع احتمالی و منافع فوت‌شده را در قالب کاهش قدرت کار یا افزایش هزینه‌های زندگی فراهم می‌سازد.

- تبصره ۲ ماده ۱۴:

صراحتاً مطالبه هرگونه ضرر و زیان مازاد بر دیه و مجازات شرعی را منوط به وجود نص قانونی کرده و عملاً امکان مطالبه نفع احتمالی و منافع ممکن‌الحصول را در جرایم شرعی نفی می‌کند.

۴. تعارض و نسخ ضمنی

- تعارض ماهوی:

ماده ۵، اصل جبران کامل خسارت را پذیرفته؛ اما تبصره ۲ ماده ۱۴، این اصل را در جرایم شرعی محدود کرده است.

- نسخ ضمنی:

با توجه به مؤخر بودن قانون آیین دادرسی کیفری و خاص بودن تبصره ۲ ماده ۱۴، این تبصره در محدوده جرایم شرعی، ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی را نسخ ضمنی کرده است.

۵. ارزیابی از منظر عدالت اجتماعی

- ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹:

با تأکید بر جبران واقعی و کامل خسارت، در راستای تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از بزه‌دیده عمل می‌کند.

- تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲:

با محدودسازی امکان جبران منافع فوت‌شده، در تعارض با روح عدالت اجتماعی و اصل لاضرر قرار می‌گیرد و می‌تواند منجر به تضییع حقوق بزه‌دیدگان شود.

۶. جمع‌بندی و پیشنهاد اصلاحی

- در حالی که ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی بر اصل جبران کامل خسارت استوار است، تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری با ایجاد محدودیت در جرایم شرعی، این اصل را نقض می‌کند.

- پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با بازنگری در تبصره مذکور، امکان مطالبه نفع احتمالی در چارچوب ضوابط فقهی و حقوقی را فراهم سازد تا عدالت اجتماعی و حقوق بزه‌دیدگان به‌طور کامل تأمین گردد.



ابراهیم عماد:

با درود، ضمن تشکر بابت شفاف سازی موضوع، 🙏 ⚖️ 🙏 ،

اینگونه تعارضات در قوانین اعم از حقوقی و کیفری در کشور را میتوان از مصادیق بارز **حاکمیت قانون** که **عنوان مجعولی** بیش نبوده و نیست، بجای **حاکمیت حق** برگرده ملت تحمیل شده، تلقی نمود، لذا ضروریست ابتدا در برنامه های آموزشی دانشکده های **حقوق**، با گذر از صرفا **قانون شناسی و تفسیر آن** به **حقوق شناسی و تعریف آن** در راستای **حقوق بنیادین** اشخاص :

حق زیستن

حق توسعه پایدار فعالیتها (حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و اجرایی)
و تضمین آنها در محیط اجتماعی، عنوان صحیح آن که «حاکمیت حق و حکمرانی قانون» میباشد،
گنجانیده شود و سپس برای دانشجویان محترم (قضات، وکلای، مشاوران حقوقی و وکلای قوه مقننه
آینده بعنوان مدافعان آینده حقوق ملت) تدریس و تفهیم شود.

اطلاعات حقوقی تاسیسی بیشتر مرتبط با موضوع :

«حاکمیت حق و حکمرانی قانون»

و



<https://ebrahimemad.net/fa/scientific-sites-fa/fundamental-rights-fa/about-us-fa/objectives-text-fa/>

حق یار و یاور صادقان و منصفان با حقوق ملتها باد